



Participatory Mapping of Community Use Zone in Dena District Adjacent to Dena Preserved Area

Sayedeh Alemohammad¹, Ahmad Reza Yavari^{1*}, Bahram Malek mohammadi¹, Esmaeel Salehi¹, Mohammad Javad Amiri¹

¹ *Department of Environmental Planning and Management, Faculty of Environment, College of Engineering, University of Tehran, Tehran, Iran*

ARTICLE INFO

Article Type: Research article

Article history:

Received 15 November 2019

Accepted 2 April 2020

Available online 18 April 2020

Keywords:

Communities' Perceptions,
Ethnography, Participatory
Mapping, Local Value, Dena.

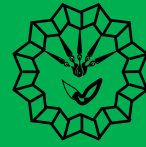
Citation: Alemohammad, S., Yavari, A. R., Malek mohammadi, B., Salehi¹, E., Amiri, M. J. (2020). Participatory Mapping of Community Use Zone in Dena District Adjacent to Dena Preserved Area. *Geography and Sustainability of Environment*, 10 (1), 53-68. doi: [10.22126/GES.2020.4750.2158](https://doi.org/10.22126/GES.2020.4750.2158)

ABSTRACT

Conservation planning needs to identify the perceptions of local communities about the distribution of uses. Required areas for supporting welfare of these communities within and around protected areas is called community use zone. Based on theoretical foundations and given that every place has value or values for local communities, it is possible to identify local values by combining participatory approach and explicit spatial approach. The aim of this study is to identify community use zone in Dena district and in the vicinity of the Dena protected area. In this regard, ethnography is applied by practices such as semi-open questionnaire, field observation and literature review and then is complemented by participatory mapping. Collecting data of local values (Subsistence, economic, cultural and conservative) is continued until the information saturation. Participants marked these hotspots of providing services on four basic maps. After digitizing the data, the spatial overlapping of these areas has been investigated. Community use zone is designated by counting the overlaps of subsistence, economic, and cultural values. Most of this zone is around rivers, roads and settlements. Within the Dena preserved area is influenced by economic and cultural uses. The conservative value identified outside the protected area requires participatory conservation planning, too. Dual-value and three-valued area in the community use zone should be a priority in educational planning and financial supporting for sustainable use. Future programs in Dena district should be focused on such actions: Prevention from firing and cultivating in the forests, prevention from land use change, increasing irrigation efficiency, proper cultivation management, prevention from irregular harvesting medicinal and edible plants, and prevention from illegal hunting of wildlife. Applying the method of this research provides a common language for the dialogue between conservation and community uses. It also provides the ground of training, empowering and attracting the participation of local communities and learning from them.

*. Corresponding author E-mail address:

ayavari@ut.ac.ir



نقشه‌سازی مشارکتی پهنه استفاده مردمی دهستان دنا در مجاورت منطقه حفاظت‌شده دنا

سیده آل محمد^۱، احمدرضا یآوری^{۱*}، بهرام ملک‌محمدی^۱، اسماعیل صالحی^۱، محمدجواد امیری^۱

^۱گروه برنامه‌ریزی و مدیریت محیط‌زیست، دانشکده محیط‌زیست، پردیس دانشکده‌های فنی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

چکیده

مشخصات مقاله

برنامه‌ریزی حفاظت نیازمند شناسایی ادراک جوامع محلی دربارهٔ پراکنش استفاده‌ها است. مناطق مورد نیاز برای پشتیبانی رفاه این جوامع در درون و پیرامون مناطق حفاظت‌شده، پهنه استفاده مردمی نام دارد. براساس مبانی نظری و با توجه به اینکه هر مکانی برای جوامع محلی ارزش یا ارزش‌هایی دارد، شناسایی ارزش‌های مکانی، با ترکیب رویکرد مشارکتی و رویکرد صریح فضایی ممکن است. هدف پژوهش حاضر شناسایی پهنه استفاده مردمی در دهستان دنا و در مجاورت منطقه حفاظت‌شده دنا است. در این راستا، مردم‌نگاری با شیوه‌هایی همچون پرسش‌نامه نیمه‌باز، مشاهده میدانی و مرور منابع به‌کارگرفته شده و سپس با نقشه‌سازی مشارکتی تکمیل شده است. جمع‌آوری داده‌های ارزش‌های مکانی (معیشتی، اقتصادی، فرهنگی و حفاظتی) تا رسیدن به اشباع اطلاعاتی ادامه یافته است. مشارکت‌کنندگان، این مناطق داغ ارائه خدمات را بر چهار نقشه پایه نشان‌گذاری کردند. پس از رقوم‌سازی داده‌ها، هم‌پوشانی فضایی این مناطق بررسی شده است. پهنه استفاده مردمی، از شمارش هم‌پوشانی‌های ارزش‌های معیشتی، اقتصادی و فرهنگی تعیین شده است. بیشترین سطح این پهنه در حوالی رودخانه‌ها، جاده‌ها و سکونت‌گاه‌ها است. منطقه حفاظت‌شده دنا زیر نفوذ استفاده‌های اقتصادی و فرهنگی است. ارزش حفاظتی شناسایی شده در بیرون منطقه حفاظت‌شده نیز، نیازمند برنامه‌ریزی حفاظت مشارکتی است. مناطق سه و دو ارزشی در پهنه استفاده مردمی، باید در اولویت برنامه‌ریزی آموزشی و حمایت مالی به‌منظور استفاده پایدار باشند. برنامه‌های آینده در دهستان دنا، باید بر چنین اقداماتی متمرکز باشد: جلوگیری از کشت زیر اشکوب جنگل‌ها، جلوگیری از آتش‌زدن دامنه‌های جنگلی، جلوگیری از تغییر کاربری، افزایش بازده آبیاری، مدیریت صحیح کشت، جلوگیری از برداشت بی‌رویه گیاهان دارویی و خوراکی و جلوگیری از شکار غیر قانونی حیات‌وحش. به‌کارگیری شیوه نوشتار پیش رو، زبان مشترکی برای گفت‌وگو میان حفاظت و استفاده‌های مردمی فراهم می‌سازد؛ همچنین زمینه‌ساز آموزش، توانمندسازی و جلب مشارکت جوامع محلی و یادگیری از آن‌ها است.

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخچه مقاله:

دریافت ۲۴ آبان ۱۳۹۸

پذیرش ۱۴ فروردین ۱۳۹۹

دسترسی آنلاین ۳۰ فروردین ۱۳۹۹

کلیدواژه‌ها:

ادراک جوامع محلی، مردم‌نگاری، نقشه‌سازی مشارکتی، ارزش مکانی، دنا.

استناد: آل محمد، سیده؛ یآوری، احمدرضا؛ ملک‌محمدی، بهرام؛ صالحی، اسماعیل؛ امیری، محمدجواد (۱۳۹۹). نقشه‌سازی مشارکتی پهنه استفاده مردمی دهستان دنا در مجاورت منطقه حفاظت‌شده دنا. *جغرافیا و پایداری محیط*، ۱۰ (۱)، ۶۸-۵۳

doi: [10.22126/GES.2020.4750.2158](https://doi.org/10.22126/GES.2020.4750.2158)

مقدمه

امروزه مناطق حفاظت‌شده جهان، افزون بر حفاظت تنوع زیستی، مدعی بهبود رفاه انسانی هستند (شافر^۱، ۲۰۱۵؛ دادلی^۲ و همکاران، ۲۰۱۴؛ روتیچ^۳، ۲۰۱۲؛ کاریوا و مارویر^۴، ۲۰۱۲). امنیت و رفاه ده‌ها میلیون نفر، به‌شدت به خدمات اکوسیستمی عرصه‌های درون و پیرامون این مناطق وابسته است. این جوامع نمی‌خواهند در برداشت منابعی که قرن‌ها استفاده می‌کرده‌اند، ناتوان باشند (فیچر^۵ و همکاران، ۲۰۱۴؛ چائو^۶، ۲۰۱۲؛ ۳؛ بیکر^۷ و همکاران، ۲۰۱۱). مدیریت مناطق حفاظت‌شده جهان که به‌منظور تشخیص مکان‌هایی با سطح و انواع متفاوت فعالیت انسانی انجام می‌شود (هال^۸ و همکاران، ۲۰۱۱)، به‌ویژه در مناطق دورافتاده کشورهای در حال توسعه با استفاده‌های جوامع محلی تعارض دارد (کراسمن^۹ و همکاران، ۲۰۱۳؛ للی^{۱۰} و همکاران، ۲۰۱۰؛ پترسون و ودلد^{۱۱}، ۲۰۱۵؛ گاردنر^{۱۲}، ۲۰۱۱؛ لروکس^{۱۳} و همکاران، ۲۰۱۰)؛ زیرا تخصیص کاربری زمین‌ها در فرایند برنامه‌ریزی حفاظت، از ادراک جوامع محلی نسبت به استفاده از سرزمین غافل مانده است (برون و فاگرهولم^{۱۴}، ۲۰۱۴؛ شاگنر^{۱۵} و همکاران، ۲۰۱۳؛ پاگلا و سینکلر^{۱۶}، ۲۰۱۴).

مفاهیم و روش‌های برنامه‌ریزی و مدیریت مناطق حفاظت‌شده و پیرامونشان، دو رویکرد عمده دارد: رویکرد منطقه‌گرا و رویکرد فرایندگرا^{۱۷} (استورتینی^{۱۸} و همکاران، ۲۰۱۵؛ ونوو^{۱۹} و همکاران، ۲۰۱۵). رویکرد منطقه‌گرا، بر برنامه‌ریزی کاربری اراضی بالا به پایین علم‌محور و نقشه‌سازی با ابزارهای مکان‌مند جغرافیایی مبتنی است. پیشرفته‌ترین روش آن، به‌کار بستن اطلاعات فضایی در تصمیم‌گیری با نقشه‌سازی خدمات اکوسیستمی است (ناقتان تروز^{۲۰}، ۲۰۱۲؛ سیرب و والز^{۲۱}، ۲۰۱۲؛ پالومو^{۲۲} و همکاران، ۲۰۱۳ الف). رویکرد فرایندگرا، مانند ارزیابی مشارکتی روستایی^{۲۳} (چمبرز^{۲۴}، ۱۹۹۴) و حفاظت جامعه‌مبنا^{۲۵} (اندرادز و رودز^{۲۶}، ۲۰۱۲؛ استیونز^{۲۷}، ۲۰۱۴؛ سالرنو^{۲۸} و همکاران، ۲۰۱۴) شامل روش‌های اجتماعی نرم به‌منظور ایجاد فرصت گفتگو، مشارکت، انطباق و توافق

- 1- Shafer
- 2- Dudley
- 3- Rotich
- 4- Kareiva & Marvier
- 5- Fisher
- 6- Chao
- 7- Baker
- 8- Hull
- 9- Crossman
- 10- Lele
- 11- Petursson & Vedeld
- 12- Gardner
- 13- Leroux
- 14- Brown & Fagerholm
- 15- Schägner
- 16- Pagella & Sinclair
- 17- area-oriented and process-oriented approaches
- 18- Stortini
- 19- Wenwu
- 20- Naughton-Treves
- 21- Syrbe & Walz
- 22- Palomo
- 23- participatory rural appraisal
- 24- Chambers
- 25- Community-based Conservation
- 26- Andrade & Rhodes
- 27- Stevens
- 28- Salerno

است (کامینگ^۱، ۲۰۱۱).

افزایش اثربخشی برنامه‌ریزی حفاظت نیازمند توسعه شیوه‌های ترکیب‌گرا و همراهی دو رویکرد است (کاناویر باکارزا و هانار^۲، ۲۰۱۳؛ لاش و بورهن^۳، ۲۰۱۱: ۱۶۷). در این زمینه، دو نظریه تأییدکننده وجود دارد: «نظریه اجتماعی، اخلاق و کارتوگرافی^۴»، استدلال می‌کند که غیاب ارزش‌های اجتماعی در محتوای نقشه‌سازی، سبب فاصله نقشه‌سازی از شکل مردم‌مدار و انسانی دانش جغرافیایی می‌شود (هارلی^۵، ۱۹۹۲)؛ همچنین به‌موجب «نظریه نشانگی کارتوگرافی^۶»، با ساختار شکنی در نقشه‌سازی و ثبت مکان‌دار ارزش‌ها، باید عملکرد نقشه فراتر از توصیف و نمایش برود و به شکل ارتباطی باشد. چنین نقشه‌ای، محصولی اجتماعی است که با بررسی دیدگاه جوامع محلی، مشروعیت نهادهای می‌یابد (کاستی^۷، ۲۰۱۴). به‌تازگی دو رویکرد منطقه‌گرا و فرایندگرا به‌دلیل چالش‌های به‌کارگیری جداگانه، هم‌گرایی رو به رشد داشته‌اند. به‌منظور دستیابی به مناطقی با مرزهای صریح فضایی و در عین حال در نظر گرفته‌شدن ادراک جوامع محلی، درهم‌آمیختگی این دو رویکرد، در پیشینه پژوهش دیده می‌شود، از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

ارزیابی مشارکتی روستایی مبتنی بر سامانه اطلاعات جغرافیایی، برای معرفی منطقه مراک پاپوآ به قبیله ماریند کشور اندونزی و اطلاع از نقشه تقریبی استفاده‌ها برپایه دانش ذهنی آن‌ها به‌کار گرفته شده است (ستار^۸، ۲۰۰۴)؛ همچنین تحلیل تصمیم‌گیری چندمعیاره مبتنی بر سامانه اطلاعات جغرافیایی، همراه با رویکرد مشارکتی (دعوت جوامع محلی به مشارکت) به‌شکل تعیین پهنه‌های مدیریتی در پارک ملی یانان چین صورت گرفته است (ژانگ^۹ و همکاران، ۲۰۱۳). برای پارک فرامرزی دلیو (در مرز کشورهای بنین، نیجر و بوركینا) براساس ارزش‌های مادی، اشتراکی، فرهنگی و نمادین سرزمین، پهنه‌بندی مشارکتی انجام شده است (کاستی، ۲۰۱۴). برخی خدمات اکوسیستمی در مناطق حفاظت‌شده دانانا و سرنودا در اسپانیا، نقشه‌سازی مشارکتی شده است (پالومو و همکاران، ۲۰۱۴)؛ همچنین برای شناسایی مناطق ضروری به‌منظور حفظ خدمات تولیدی اکوسیستم برای جوامع محلی سورینام جنوبی، از نقشه‌سازی مشارکتی استفاده شده است (رامیز گومز^{۱۰} و همکاران، ۲۰۱۶).

خدمات اکوسیستمی معیشتی، اقتصادی و فرهنگی، انواعی از ارزش مکان^{۱۱} هستند که به‌دلیل بازده بالاتر، با ادراک جوامع محلی از استفاده‌هایشان در محیط پیرامون همخوانی بیشتری دارند. در نظر گرفتن بخشی از عرصه‌های محیط پیرامون به‌وسیله مردم به‌منظور دست‌نخورده ماندن آن‌ها برای حمایت از آیندگان، ارزش مکانی حفاظتی یا حمایتی به‌شمار می‌رود که به‌طور معمول با استفاده‌های مردمی تلاقی کمتری دارد (فاگرهولم و همکاران، ۲۰۱۲؛ برون و رید^{۱۲}، ۲۰۱۲؛ رامیز گومز و همکاران، ۲۰۱۳؛ مارتین‌لوپز^{۱۳} و همکاران، ۲۰۱۱). هریک از مناطق یکی از انواع ارزش‌های مکانی، قابل تعبیر به نوعی از مناطق داغ ارائه خدمات^{۱۴} دارند (مارتین‌لوپز و

1- Cumming

2- Canavire-Bacarreza & Hanauer

3- Lausche & Burhenne

4- Cartography, ethics & social theory

5- Harley

6- Cartographical semiosis theory

7- Casti

8- Satar

9- Zhang

10- Ramirez-Gomez

11- Place value or local value

12- Reed

13- Martín-López

14- Service provision hotspots or hotspots of providing services

همکاران، ۲۰۱۲؛ گارسیا لورنت^۱ و همکاران، ۲۰۱۲؛ مک دونالد و بوچر^۲، ۲۰۱۱). هم‌پوشانی فضایی ارزش‌های مکانی، نشان‌دهنده مناطقی با کیفیت دو یا چندمنظوره در سرزمین و جایگزین عملکردهای چندگانه اکوسیستم است (رودسپ هرن^۳ و همکاران، ۲۰۱۰). در این میان، پهنه استفاده مردمی^۴، شامل تمامی مناطق مورد نیاز برای پشتیبانی رفاه جوامع محلی است. این پهنه با مداخله‌های کنونی و ادعاها و مطالبات سنتی جوامع محلی نسبت به دسترسی و بهره‌برداری منابع درون و پیرامون مناطق حفاظت‌شده هم‌پوشانی دارد و به‌طور معمول دو یا چند نوع از ارزش‌های مکانی را دربر می‌گیرد (سرنا چاوز^۵ و همکاران، ۲۰۱۴؛ پالومو و همکاران، ۲۰۱۳ ب).

در ایران، برنامه کمک‌های کوچک^۶ تسهیلات محیط‌زیست جهانی به‌منظور توانمندسازی و مشارکت جوامع محلی در حفاظت و تاحدتی مستندسازی دانش محلی، اعتبار مالی کلانی را صرف کرده است؛ اما با وجود همه این تلاش‌ها، در مجموع ارزیابی موفقیت برنامه‌ریزی و مدیریت مناطق حفاظت‌شده ایران، نمرات پایینی به مشارکت جوامع محلی داده است (کولاهی^۷ و همکاران، ۲۰۱۳). علت این مسئله آن است که با وجود توجه دیرین جوامع محلی فلات ایران به ابعاد فضایی - مکانی استفاده از سرزمین، دیدگاه آن‌ها نسبت به مکان و استفاده از آن شناخته نشده است (یاوری و طیب‌زاده، ۱۳۹۶: ۱۹۵-۱۹۶)؛ به‌عبارت دیگر، پیش از جلب مشارکت مردمی در حفاظت، ادراک این جوامع نسبت به استفاده‌های ارزشمند از محیط درون و پیرامون مناطق حفاظت‌شده، شناسایی نشده است. با توجه به اینکه هنوز برای نقشه‌سازی مشارکتی پهنه استفاده مردمی درون و پیرامون مناطق حفاظت‌شده در ایران اقدامی صورت نگرفته است؛ در این زمینه جای بسی تلاش هست. مناطق حفاظت‌شده کشور ما با مناطق مورد نیاز و استفاده جوامع محلی (همان پهنه استفاده مردمی) هم‌پوشانی و هم‌جواری قابل توجهی دارد. این درحالی است که با نبود تجربه روش‌شناسی پشتیبان به‌منظور شناسایی ادراک این جوامع از ارزش‌های مکانی درون و پیرامون مناطق حفاظت‌شده کشور و به‌رو هستیم. هدف نوشتار پیش رو براساس این مسئله و کمبود، تعیین پهنه استفاده مردمی بر پایه نشان‌گذاری مناطق ارائه خدمات اکوسیستمی قابل درک برای جوامع محلی در بخشی از درون و پیرامون منطقه حفاظت‌شده دنا است.

معرفی منطقه مورد بررسی

دهستان، کوچک‌ترین واحد سیاسی کشور، شامل گروهی از سکونت‌گاه‌های نزدیک و پیرامونشان است که از لحاظ محیط طبیعی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی به یکدیگر وابستگی داشته و امکان خدمات‌رسانی و برنامه‌ریزی در یک شبکه را فراهم می‌سازد؛ از این‌رو، دهستان بیشترین تطابق را برای مطالعه جوامع محلی و جمع‌آوری اطلاعات به‌منظور تعیین حدود استفاده‌های ارزشمند برای آن‌ها را دارد. گستره پژوهش حاضر، دهستان دنا (دربرگیرنده بخشی از منطقه حفاظت‌شده دنا و پیرامون آن) است که بیش از ۲۱ هزار هکتار مساحت دارد.

منطقه حفاظت‌شده دنا، دهمین ذخیره‌گاه زیست‌کره و کوهستانی‌ترین منطقه کشور است که غنای زیستی بالایی دارد. توزیع کمربندهای ارتفاعی و پوشش گیاهی در این سرزمین به این ترتیب است: کوه‌های مرتفع از ۲۵۰۰ متر به بالا (با پوشش غالب اورس و گون^۸)، دامنه‌ها از ۲۵۰۰ متر تا ۲۰۰۰ متر (با پوشش غالب جنگل بلوط ایرانی^۹)

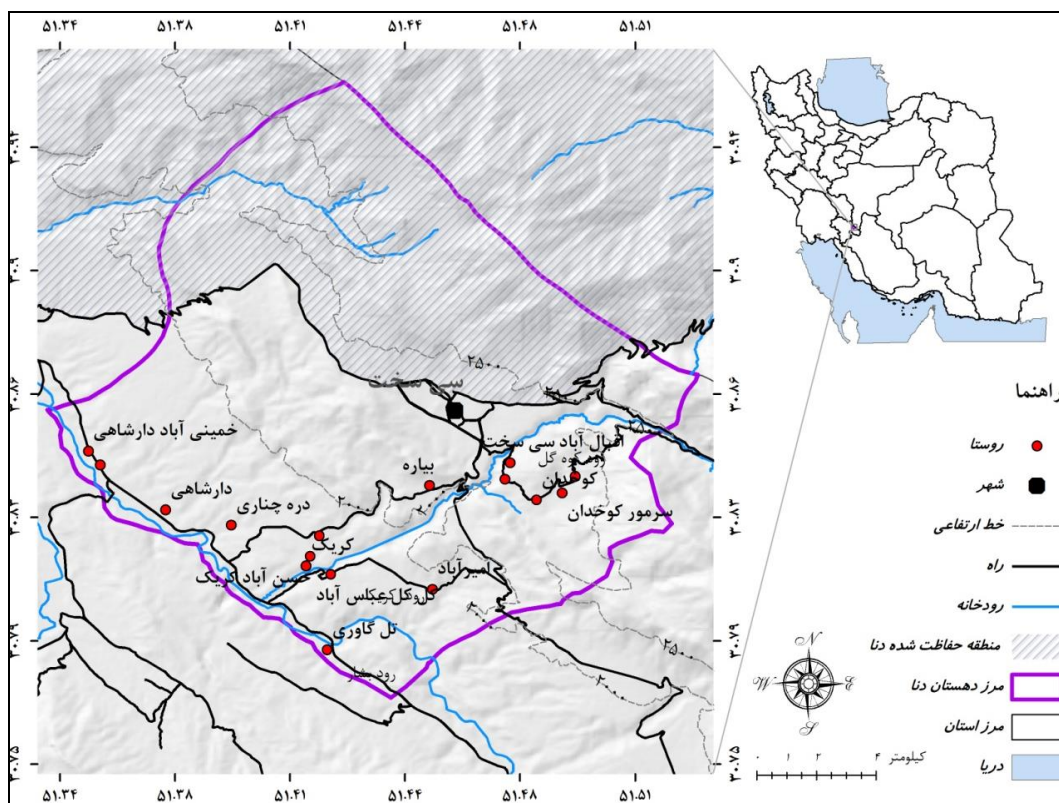
- 1- García-Llorente
- 2- McDonald & Boucher
- 3- Raudsepp-Hearne
- 4- Community use zones
- 5- Serna-Chavez
- 6- Small Grants Programme
- 7- Kolahi
- 8- Juniperus excelsa & Astragalus spp
- 9- Quercus brantii

و کوهپایه‌ها و واریزه‌های زیر ۲۰۰۰ متر (با پوشش غالب کشاورزی و جنگل بلوط ایرانی) (انجمن دامون، ۱۳۹۶: ۱۷؛ منتظری، ۱۳۹۴).

شهر سی سخت، مرکز دهستان دنا و شهرستان دنا در استان کهگیلویه و بویراحمد است. کشاورزی بالاترین درصد از مشاغل عمده دهستان را تشکیل می‌دهد و به دلیل نرخ بالای بیکاری، بار اصلی افزایش نیازهای ساکنان بر دوش عرصه‌های طبیعی است؛ زیرا معیشت آن‌ها بر کشاورزی (دیم و آبی) و دامداری (کوچ‌گری و روستایی) مبتنی است. ساختار اجتماعی - فرهنگی دهستان، تاکنون آداب روستایی، شیوه شبانی و خوی عشیره‌ای را حفظ کرده است. مردم خود را از ایل بویراحمدی و خویشاوند می‌دانند. سکونت‌گاه‌ها در ارتفاع زیر ۲۵۰۰ متر و در امتداد جاده‌ها و رودخانه‌های کوهگل، کریک و بشار استقرار دارد (شکل ۱).

مواد و روش‌ها

برای شناسایی محتوای ذهنی افراد درباره زمینه‌ای از جامعه، نمی‌توان از روش‌های سخت و محدودکننده و قواعد دقیق کمی کمک گرفت و نوعی از پژوهش کیفی به نام مردم‌نگاری لازم است که با تمرکز بر شرایط اجتماعی - فرهنگی، اطلاعات مربوط به ارزش‌ها یا فعالیت‌های مردم را فراهم می‌کند. گردآوری اطلاعات در چنین پژوهشی با ابزارهایی همچون مصاحبه نیمه‌ساختاریافته، پرسش‌نامه نیمه‌باز، مشاهده میدانی و بررسی اسناد ممکن است (وایزمن^۱، ۲۰۰۹: ۵۶؛ پاتون^۲، ۲۰۱۵: ۱۲۴ و ۳۷۴). دلیل اولیة ارتباط با جوامع محلی و کسب دیدگاه آن‌ها، جمع‌آوری داده‌های زیرمجموعه انواع ارزش‌های مکانی است، به این ترتیب، دیدگاه جوامع محلی نسبت به شیوه‌های فعالیت و رابطه آن‌ها با محیط پیرامونشان، پرسش شده و به شکل مکان‌دار تعیین می‌شود.



شکل ۱. موقعیت دهستان دنا و برخی عوارض مهم در نزدیکی منطقه حفاظت‌شده دنا

این اطلاعات می‌تواند در مطالعات آتی، زمینه یکپارچه‌سازی ادراک این جوامع را با فرایند برنامه‌ریزی سرزمین فراهم سازد. مردم‌نگاری در پژوهش حاضر، با سفرهای مکرر به منطقه و استفاده از شیوه‌ها و ابزارهای مکمل و همراه (پرسش‌نامه نیمه‌باز و رودرو، مشاهده میدانی، مرور منابع و نقشه‌سازی مشارکتی) طی بهار و تابستان سال ۱۳۹۸، انجام شده است.

در پژوهش کیفی، به‌جای نمونه، از مشارکت‌کنندگان نام برده می‌شود. مشارکت‌کنندگان بیشتر افراد مطلع را معرفی می‌کنند. تعداد مشارکت‌کنندگان تا حدی افزایش می‌یابد که دیگر داده‌ای سبب گسترش یافته‌های حتی یک طبقه از داده‌ها نشود. نشانه اشباع اطلاعاتی، تکرار داده‌های پیشین است. در این‌هنگام پژوهشگر چند بررسی تکمیلی برای اطمینان از رسیدن به اشباع انجام می‌دهد (لیوینگستون^۱، ۲۰۰۹: ۷۴؛ نیک‌نشان و همکاران، ۱۳۸۹؛ عباس‌زاده، ۱۳۹۱). در نوشتار پیش رو در هر سکونت‌گاه، جلسه توجیهی (به‌منظور معرفی هدف پژوهش، شیوه مشارکت و کسب اطلاعات اولیه) برگزار شده است. حوزه جلب مشارکت در پژوهش حاضر، شناسایی شاخصه‌های انواع ارزش‌های مکانی مورد نیاز، یا توجه جوامع سکونت‌گاهی بوده است.

مشارکت‌کنندگان (از اهالی سکونت‌گاه‌های دهستان دنا) به‌صورت داوطلبانه و با سعی بر حفظ تعادل سن (افراد مسن‌تر دارای دانش قدیمی‌تر در کنار افراد جوان باسواد امروزی)، تعادل جنس و نسبت جمعیت سکونت‌گاه‌ها، انتخاب شده و همکاری کرده‌اند. هر گروه پنج‌نفره، یک پرسش‌نامه را به‌منظور تعیین شاخصه‌های ارزش‌های مکانی چهارگانه، کامل کرد. جمع‌آوری داده‌های حاصل از پرسش‌نامه تا رسیدن به اشباع اطلاعاتی ادامه داده شد. برای اطمینان از اشباع اطلاعاتی، دو پرسش‌نامه دیگر نیز تکمیل و درنهایت مشارکت‌کنندگان به ۲۴۰ نفر رسیدند. داده‌های حاصل از پرسش‌نامه‌ها در جدولی خلاصه‌سازی شد؛ سپس از هر گروه خواسته شد داده‌های جمع‌آوری‌شده در این جدول را به‌لحاظ صحت، بازبینی کنند؛ پس از آن، نتایج اطلاعات با توجه به سطح بالای آشنایی دیرینه پژوهشگر به منطقه، سفرهای مکرر و مشاهده میدانی تأیید شد. در مرحله نقشه‌سازی، هر گروه براساس جدول تأییدشده نهایی، مناطق چهارگانه را در چهار نقشه پایه با استفاده از ترسیم محدوده‌هایی نشان‌گذاری کرد. برای اینکه مشارکت‌کنندگان درک درستی از فضا داشته باشند و آن را به‌خوبی با ارزش‌های مکانی تطبیق دهند، رودخانه‌ها، جاده‌ها، خطوط تراز ۲۰۰۰ و ۲۵۰۰ و نام سکونت‌گاه‌ها بر نقشه پایه (براساس شکل ۱) از پیش مشخص شد. در ادامه نقشه‌های دریافتی از گروه‌ها در نرم‌افزار آرک‌جی‌آی‌اس^۲، رقومی‌سازی شد و چهار نقشه خدمات اکوسیستمی به‌دست آمد.

مبانی نظری و پیشینه مطالعاتی، جمع‌آوری و طبقه‌بندی داده‌ها و تحلیل اطلاعات در پژوهش کیفی به‌موازات هم حرکت می‌کنند و مکمل یکدیگر هستند. به‌طوری‌که طبقه‌بندی مقوله‌های مورد انتظار از به‌کارگیری ابزارهای جمع‌آوری داده‌ها مبتنی بر جهت‌گیری ادبیات پژوهش در مرحله طرح پژوهش است. بر این اساس، در نوشتار پیش رو نیز، داده‌های حاصل از پرسش‌نامه‌ها (شاخصه‌های ارزش مکانی)، در جدول طبقات چهارگانه ارزش‌های وابسته به مکان (معیشتی، اقتصادی، فرهنگی و حفاظتی) خلاصه‌سازی و سپس بازبینی و تأیید شد. ماهیت داده‌های جمع‌آوری‌شده از پرسش‌نامه‌ها، کلمات بوده است. این داده‌ها با نقشه‌سازی مشارکتی، مکان‌دار شدند؛ به‌عبارت دیگر، داده‌های کلمه‌ای به داده‌های تصویری (نقشه) تبدیل و سپس تحلیل شدند. تحلیل داده‌ها در پژوهش حاضر، بدون استفاده از فنون آماری و به‌شکل استدلال کیفی - تشریحی بوده است. پراکندگی چهار طبقه ارزش‌های مکانی و هم‌پوشانی دو به دوی آن‌ها در درون و پیرامون منطقه حفاظت‌شده دنا به‌طور تشریحی، تحلیل

1- Livingston
2- ArcGIS 10.2

شده است. پهنه استفاده مردمی با شمارش تعداد تلاقی ارزش‌های غیر حفاظتی، نقشه‌سازی شده و چگونگی گستره توزیع این پهنه نسبت به عوارض طبیعی و انسان ساخت توضیح داده شده است؛ همچنین براساس مهم‌ترین تهدیدهای منابع سرزمین طبق مرور منابع و مشاهده میدانی، مهم‌ترین تدابیر و اقدام‌های اصلاحی به‌منظور استفاده پایدار از پهنه استفاده مردمی و حفاظت مشارکتی، پیشنهاد شده است.

شایان ذکر است که شاخصه‌های ارزش مکانی معیشتی، شامل مناطقی بوده است که ارزش فراهم‌ساختن خدمات اکوسیستمی معیشتی را برای بقای جوامع محلی داشته‌اند. شاخصه‌های ارزش مکانی اقتصادی شامل مناطقی بوده است که بر مهیّا کردن خدمات اکوسیستمی اقتصادی تمرکز داشته است. ارزش‌های سنتی، معنوی، گردشگری و زیبایی‌شناسی در مقوله ارزش مکانی فرهنگی قرار داده شده است. شاخصه‌های ارزش مکانی حفاظتی شامل مناطقی کمابیش دست‌نخورده‌تر بوده که حفظ آن‌ها به نسل‌های آینده اجازه می‌دهد منطقه و موهبت‌هایش را آن‌گونه که اکنون است، بشناسند و تجربه کنند.

نتایج

براساس داده‌های به‌دست‌آمده از پرسش‌نامه‌ها و بازبینی آن، شاخصه‌های هر یک از ارزش‌های مکانی از دید جوامع محلی گردآوری شده است (جدول ۱).

همچنین براساس مرور منابع (اداره کل حفاظت محیط‌زیست استان کهگیلویه و بویراحمد، ۱۳۹۵: ۱۵؛ ابوالقاسمی، ۱۳۹۵: ۱۸؛ فروزه و همکاران، ۱۳۹۳؛ ملکیان و باقری، ۱۳۹۴؛ وارثی، ۱۳۸۱) و مشاهده میدانی، مهم‌ترین تهدیدهای منابع سرزمین در منطقه شامل تبدیل کاربری (کشت زیراشکوب جنگل‌ها، آتش‌زدن دامنه‌های جنگلی و فروش باغ‌ها به سنگ‌شکن‌ها)، بازده پایین آبیاری، عدم مدیریت الگو، تناوب و تنوع کشت، عدم کنترل مناسب پسماند، برداشت بی‌رویه و فروش گیاهان دارویی و خوراکی، تله‌گذاری و شکار غیر قانونی حیات‌وحش هستند.

جدول ۱. ارزش‌های مکانی و شاخصه‌های آن‌ها از دید جوامع محلی

ارزش مکانی	مهم‌ترین مناطق مورد نیاز یا توجه جامعه
معیشتی	مناطق کشت و چرای محدود، ماهی‌گیری محدود، مناطق برداشت محصولات جنگلی (هیزم، میوه وحشی، صمغ، قارچ، عسل)، مناطق برداشت گیاهان خوراکی و دارویی در حد مصرف خانوار
اقتصادی	مناطق کشت متمرکز (انگور، سیب، گردو، برنج، گندم، یونجه) و چرا، مناطق پرورش ماهیان سردآبی، معادن (نمک شرق سی‌سخت، شن و سیمان سی‌سخت و سنگ گچ کریک)، مناطق برداشت گیاهان دارویی و خوراکی: بلیط (بلوط ایرانی)، بادام، بن (بنه یا پسته کوهی)، کلخونگ (خنجوک)، زالزالک، گلابی وحشی، پرموسیر، لیزک (بن‌سرخ)، جاشیر، بیلهر (کندل کوهی)، چویل، ترة کوهی، هلیپه (مریم‌نخودی)، اوریشوم کرو (آویشن سردسیری)، درمه (درمنه)، برنجاس (بومادران) و پیدن کھی (پونه کوهی) ۱، مناطق گردشگری و مناطق شکار حیات‌وحش (مانند بز وحشی، گوزن زرد ایرانی، پلنگ ایرانی، کفتار راه‌راه، شنگ و سنجاب ایرانی) ۲
فرهنگی	کوهگل و غار آن، دریاچه کوهگل، آبشار تنگ نمک کوهگل، چشمه سردو کوهگل، روستای زیبای کوخندان، روستای ماسوله‌ای کریک، چشمه طوف سی‌سخت، چشمه میشی سی‌سخت، دشتک سی‌سخت، مکان‌های مقدس قدیمی، ویرانه‌های سی‌سخت، شهر سی‌سخت و مناظر مشرف به جنگل‌های بلوط، زمین‌های کشاورزی، گردنه بیژن و کوه زنگویی
حفاظتی	مناطق طبیعی کمابیش دست‌نخورده‌تر مانند زیست‌گاه‌های حیات‌وحش و رویش‌گاه‌های طبیعی باقی‌مانده

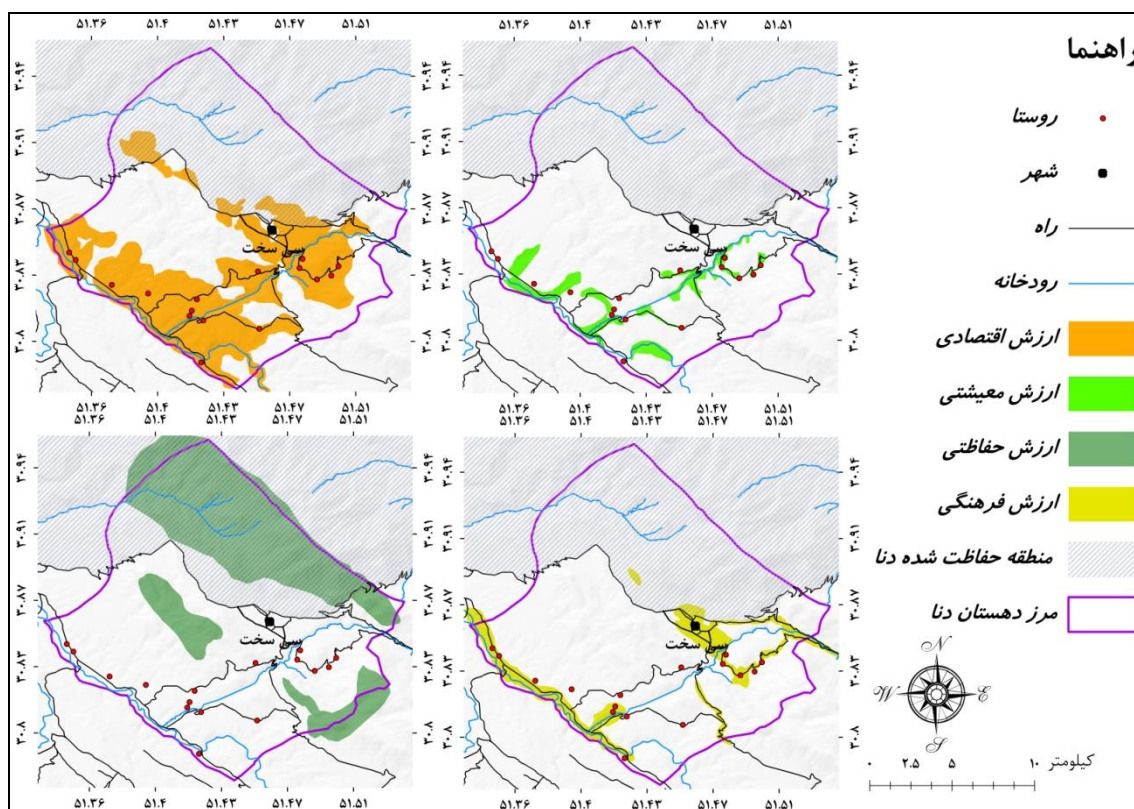
1- amygdalus spp, **pistacia atlantica**, Pistacia khinjuk, Crataegus azarollus, Pyrus glabra, Fritillaria imperialis, Allium jesdianum, Prangus ferulacea, Dorema aucheri, Ferulago angulata, Allium ampeloprasum, Teucrium polium, Thymus daensis, Artemisia aucheri, Achillea millefolium & Nepeta ispanhanica

2- Capra aegagrus, Dama mesopotamica, Panthera pardus tulliana, Hyaena hyaena, Lutra lutra, Sciurus anomalus

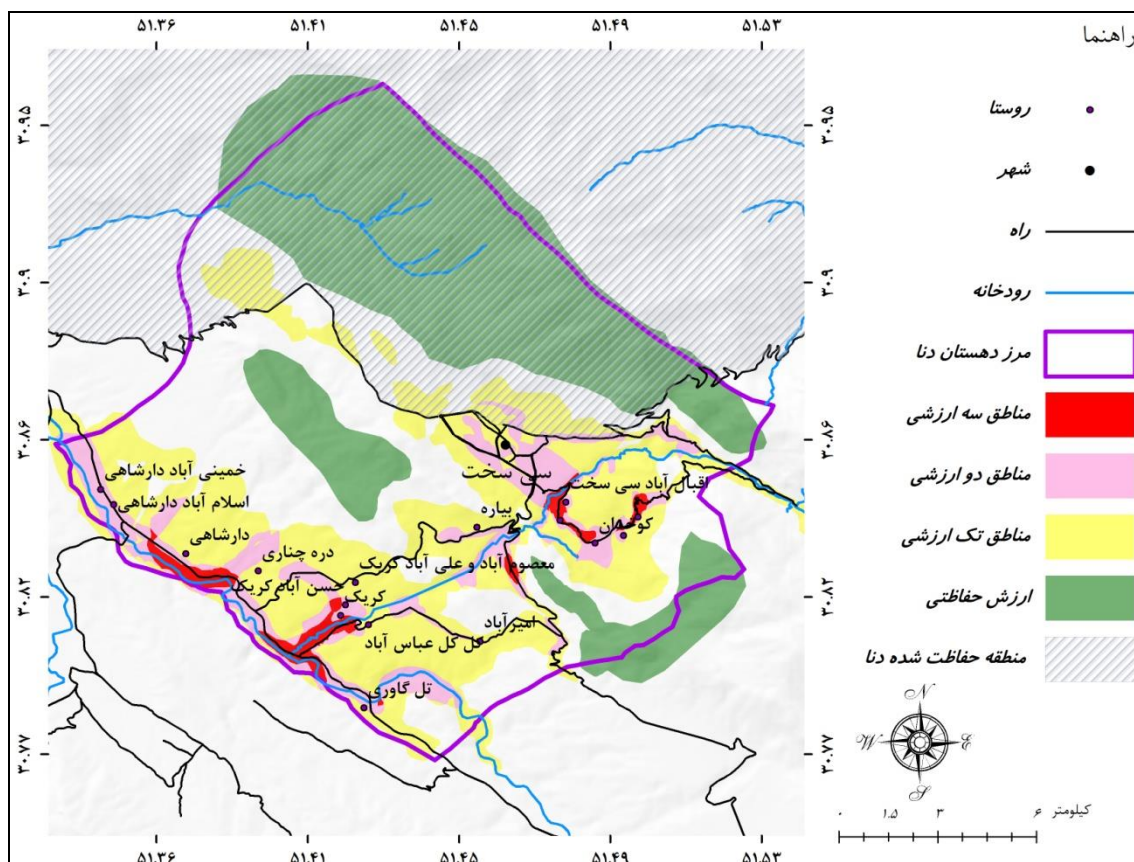
براساس نقشه‌های ارزش‌های مکانی چهارگانه که مشارکت‌کنندگان براساس ادراک خود نسبت به استفاده از سرزمین ترسیم کرده‌اند؛ مساحت ارزش‌های اقتصادی، فرهنگی و معیشتی به ترتیب ۸۰۸۵ هکتار، ۲۲۸۶ هکتار و ۱۲۸۲ هکتار بوده و ارزش حفاظتی، مساحت ۸۳۳۴ هکتار داشته است (شکل ۲).

بررسی هم‌پوشانی ارزش‌های مکانی نشان می‌دهد که ارزش مکانی حفاظتی ترسیم‌شده با مشارکت‌کنندگان، هیچ انطباق فضایی با دیگر ارزش‌های نقشه‌شده نداشته است؛ همچنین بیشترین تلاقی، میان ارزش‌های فرهنگی و اقتصادی (۱۶۸۰ هکتار) و سپس ارزش‌های معیشتی و اقتصادی (۱۱۲۳ هکتار) بوده است. انطباق ارزش‌های اقتصادی و معیشتی مربوط به وقوع فعالیت‌های گذران زندگی در کنار فعالیت‌های تولید درآمد بوده و انطباق ارزش‌های اقتصادی و فرهنگی، بیشتر مربوط به معیشت مرسوم از درآمد گردشگری و جاذبه‌های مناطق با ارزش فرهنگی است. ارزش‌های معیشتی و فرهنگی نیز در ۴۶۴ هکتار تلاقی دارند. پهنه استفاده مردمی شامل مناطق سه‌ارزشی، دوارزشی و تک‌ارزشی است که به ترتیب سه، دو یا یک نوع از سه ارزش معیشتی، اقتصادی و فرهنگی را دارند.

عمده پراکنش پهنه استفاده مردمی، نزدیک و متمرکز بر مناطقی با عوارض طبیعی و انسان‌ساخت قابل توجه است (شکل ۳)؛ به عبارت دیگر، بیشترین سطح پهنه استفاده مردمی در ارتفاع زیر ۲۵۰۰ متر و در حوالی رودخانه‌ها، جاده‌ها و سکونت‌گاه‌ها است؛ همچنین بخش‌هایی از منطقه حفاظت‌شده دنا با برخی استفاده‌های جوامع محلی که شامل ارزش‌های اقتصادی یا فرهنگی است، تلاقی دارد که به‌ویژه در اطراف شهر سی‌سخت قابل توجه است.



شکل ۲. نقشه‌های ارزش‌های مکانی چهارگانه براساس ادراک جوامع محلی نسبت به استفاده از سرزمین



شکل ۳. پهنه استفاده مردمی و عرصه‌های دارای ارزش حفاظتی

براساس یافته‌ها، اگرچه عمده سطح منطقه حفاظت‌شده دنا از دیدگاه مشارکت‌کنندگان، با ارزش مکانی حفاظتی انطباق دارد، اما این منطقه در مجاورت پهنه استفاده مردمی و حتی تحت نفوذ استفاده‌های اقتصادی و فرهنگی است؛ بنابراین برنامه‌ریزی و مدیریت برای حفاظت مشارکتی از ارزش مکانی حفاظتی، همگام با برنامه‌ریزی استفاده پایدار از منابع مربوط به سایر ارزش‌های مکانی (پهنه استفاده مردمی) معنا می‌یابد و به کمک‌های آموزشی به اهالی منطقه و حمایت مالی نیاز دارد؛ همچنین وجود مناطق با ارزش حفاظتی در بیرون منطقه حفاظت‌شده، نشان از ارزش‌های عمیق ذاتی منطقه مورد مطالعه است که خوشبختانه حتی در ذهنیت مردم محلی جای دارد و باید حمایت و تقویت شود؛ افزون بر این، مناطقی از پهنه استفاده مردمی که به دلیل هم‌پوشانی ارزش‌ها، دارای سه یا دو ارزش هستند، نسبت به مناطق تک‌ارزشی، تحت فشار استفاده‌های بیشتری از منابع سرزمین هستند. این مناطق، باید در اولویت برنامه‌ریزی و مدیریت قرار داده شوند؛ زیرا هسته ارائه خدمات اکوسیستمی به اهالی منطقه هستند.

برنامه‌ریزی آموزشی و طرح‌ریزی بودجه حمایتی به منظور استفاده پایدار از پهنه استفاده مردمی و حفاظت مشارکتی از سرزمین و به‌ویژه منطقه حفاظت‌شده دنا، باید بر گرفتن چنین تدبیرها و اقدام‌های اصلاحی متمرکز باشد: کنترل تبدیل کاربری زمین‌ها (جلوگیری از کشت زیراشکوب جنگل‌ها، جلوگیری از آتش‌زدن دامنه‌های جنگلی، جلوگیری از فروش باغ‌ها به سنگ‌شکن‌ها)، افزایش بازده آبیاری، مدیریت صحیح الگو، تناوب و تنوع کشت، کنترل مناسب پسماند، جلوگیری از برداشت بی‌رویه گیاهان دارویی و خوراکی و جلوگیری از تله‌گذاری و شکار غیر قانونی حیات وحش.

بحث

عمده چالش پهنه‌بندی حفاظت در درون و پیرامون مناطق حفاظت‌شده ناشی از تکیه صرف بر دیوان‌سالاری اداری و دیدگاه برنامه‌ریزان حرفه‌ای است؛ اما واقعیت آن است که سیمای سرزمین پیرامون مناطق حفاظت‌شده، زیر سلطه استفاده‌های مردمی است؛ همچنین فضای جغرافیایی، پیچیده‌تر از آن است که تنها با تخصیص یک کاربری زمین به هر مکان مشخص شود؛ به عبارت دیگر، سرزمین تنها شامل شرایط بیوفیزیکی نیست؛ بلکه شامل هویت جوامع نیز هست. پهنه استفاده مردمی مکان‌های ارزشمندی را دربر می‌گیرد که هدف نقشه‌سازی آن‌ها، نادیده گرفته‌نشدن استفاده‌های جوامع محلی در برنامه‌ریزی و مدیریت حفاظت از سرزمین است. این پژوهش بر شناسایی و نقشه‌سازی مشارکتی ارزش‌های وابسته به مکان برای جوامع محلی دهستان دنا متمرکز بوده است. روش‌شناسی نوشتار پیش رو، تلفیقی از روش ابزاری (متعلق به رویکرد منطقه‌گرا) و روش ارتباطی (متعلق به رویکرد فرایندگرا) بوده است. در ادامه، به روایی و پایایی پژوهش حاضر، براساس پیشینه پژوهش، مبانی نظری، مشاهدات و تجربه‌های موجود پرداخته می‌شود.

ازسویی در سال‌های اخیر، پژوهشگران رشته‌های مختلف با عبور از دیدگاه اثبات‌گرایانه و حرکت به سوی دیدگاه تفسیرگرایانه به انجام پژوهش کیفی تمایل بیشتری نشان داده‌اند. ازسوی دیگر، به دلیل پیچیدگی‌های ذاتی و ماهیت بین‌رشته‌ای علوم محیط‌زیستی نیز در بسیاری موارد پژوهش کیفی مناسب‌تر و انعطاف‌پذیرتر بوده است. در پژوهش‌های کمی از آزمون‌های آماری به منظور ارزیابی دقت و برآورد ضریب اطمینان استفاده می‌شود؛ اما اطمینان از روایی در پژوهش‌های کیفی، مفهومی نسبی‌گرایانه دارد. هدف مطالعه مردم‌نگاری، شناخت ادراک جهان اجتماعی از منظر مشارکت‌کنندگان درباره پدیده‌ای خاص (برای مثال نوع، شیوه و پراکنش فعالیت‌های آن‌ها) است. به گونه‌ای که مشارکت‌کنندگان براساس ذهنیت خود از زمینه مورد نظر، پاسخی ارائه می‌دهند (رودگرمی و اکبرزاده، ۱۳۹۳؛ رنجبر و همکاران، ۱۳۹۱)؛ از این رو، در چنین پژوهش‌هایی، بیشتر استفاده از روش‌های ارتقای روایی مورد نظر است که خلاصه مهم‌ترین آن‌ها به این شرح است: (۱) ارتباط مستمر با محیط پژوهش، مشاهده میدانی و آشنایی عمیق پژوهشگر با شرایط اجتماعی - فرهنگی منطقه؛ (۲) استفاده از روش‌ها و ابزارهای متعدد جمع‌آوری داده و کسب داده‌های موازی؛ (۳) مطالعه موردی و نمونه کوچک؛ (۴) انتخاب نمونه هدفمند و بسندگی نمونه‌گیری تا اشباع اطلاعاتی و (۵) خلاصه‌سازی طبقات داده‌ها به وسیله پژوهشگر و بازبینی آن با مشارکت‌کنندگان (عباس‌زاده، ۱۳۹۱؛ نیک‌نشان و همکاران، ۱۳۸۹؛ فقیهی و علیزاده، ۱۳۸۴). به دلیل به کارگیری و رعایت این موارد در پژوهش حاضر، صحت اطلاعات به حد مطلوبی ارتقا یافته است. این فرایند در بخش مواد و روش‌ها به طور مفصل بیان شده است.

«نظریه نشانگی کارتوگرافی» و «نظریه اجتماعی، اخلاق و کارتوگرافی» در مناطق حفاظت‌شده و پیرامونشان، مبنای به کارگیری نقشه‌سازی مشارکتی است (هارلی، ۱۹۹۲؛ کاستی، ۲۰۱۴). بر پایه این نظریه‌ها، شناسایی و تعیین مکان‌دار ارزش‌های جمعی سرزمین از دیدگاه مردم به منظور برنامه‌ریزی بهتر حفاظت و استفاده پایدار از سرزمین، با روش‌های مشابه و نزدیک در برخی مناطق جهان انجام شده و روایی قابل قبول را داشته است (کرنی^۱، ۲۰۰۷؛ دیسیکوبولوم و کرابتری^۲، ۲۰۰۶؛ توپال^۳ و همکاران، ۲۰۰۱). روش‌شناسی یادشده به ویژه در زمینه حفاظت مشارکتی محیط‌زیست، هم مورد تقاضا و استفاده بوده و هم به لحاظ تعمیم‌پذیری و کاربردپذیری عملی به منظور

1- Kearney

2- Diccico-Bloom & Crabtree

3- Toupal

استفاده در موارد دیگر، پایایی داشته است (رامیز گومز و همکاران، ۲۰۱۶؛ برون و فاگرهولم، ۲۰۱۴؛ کاستی، ۲۰۱۴؛ پالومو و همکاران، ۲۰۱۴؛ مک‌لین^۱ و همکاران، ۲۰۱۳؛ ژانگ و همکاران، ۲۰۱۳؛ سیرب و والز، ۲۰۱۲؛ ستار، ۲۰۰۴؛ تالن^۲، ۲۰۰۰). لازم به ذکر است که این پایایی به معنی کسب داده‌های مشابه در موارد دیگر نیست؛ بلکه به معنای قابلیت تعمیم روش‌شناسی پژوهش است؛ زیرا هر مطالعه موردی، شرایط خاص خود را دارد؛ از این رو پهنه استفاده مردمی در دهستان‌های دیگر کشور، می‌تواند به لحاظ انواع ارزش‌های مکانی و شاخصه‌های آن‌ها از دید جوامع محلی، متفاوت بوده و هم‌پوشانی و هم‌جواری متفاوتی نسبت به منطقه حفاظت‌شده مورد نظر داشته باشد که شناخت متفاوتی را درباره ادراک جوامع محلی نسبت به استفاده از سرزمین برای برنامه‌ریزان فراهم می‌سازد. چنین پژوهش‌هایی می‌توانند در آینده به ساده‌سازی گفتگو با جوامع محلی برای کاهش دامنه تعارضات، افزایش سازش با حفاظت، تقویب انگیزه مشارکت مستمر در حفاظت و در نهایت تاب‌آوری تصمیمات تخصیص کاربری اراضی میان توسعه و حفاظت کمک کند.

نتیجه‌گیری

جلب مشارکت و افزایش حمایت اجتماعی برای تحقق اهداف حفاظتی سرزمین، پیش از هر چیز نیازمند شناسایی مکان‌دار عرصه‌های مورد توجه و نیاز جوامع محلی به منظور حفظ رفاه آن‌ها است؛ زیرا جوامع محلی براساس دانش ذهنی و ادراک خود از محیط پیرامون، برای هر مکانی، هویتی قائل بوده و ارزش یا ارزش‌هایی متصور هستند (ویلا^۳ و همکاران، ۲۰۱۴؛ بان^۴ و همکاران، ۲۰۱۳؛ ریبر^۵ و همکاران، ۲۰۱۳؛ مک‌لین و همکاران، ۲۰۱۳؛ هاسلت^۶ و همکاران، ۲۰۱۰). بر همین اساس و به منظور ایفای نقش حفاظتی مناطق حفاظت‌شده، درک مزایایی که می‌تواند پشتیبان جوامع محلی باشد، مهم است؛ بنابراین پیش از هر اقدامی، لازم است دانش جوامع محلی از ارزش‌های مکانی عرصه‌های درون و پیرامون مناطق حفاظت‌شده جمع‌آوری و تحلیل شود. شناسایی مکان‌دار ارزش‌های قابل درک برای جامعه محلی با نقشه‌سازی مشارکتی، باید به مثابه جزئی از مقدمات برنامه‌ریزی مناطق حفاظت‌شده مورد توجه قرار داده شوند.

براساس بحث و یافته‌های پژوهش حاضر، به کارگیری نقشه‌سازی مشارکتی و سایر ابزارهای مردم‌نگاری، منجر به خلق داده‌ها و اطلاعات جدیدی شده است. مهم‌ترین محصول و ارزش افزوده این مطالعه، بسط محدوده شناخت فضایی برنامه‌ریز از سرزمین با ایجاد نگرشی منطبق بر واقعیت جامعه است. این نگرش مکان‌دار شامل مناطق و موارد زیر بوده است: (۱) درون منطقه حفاظت‌شده دنا در نزدیکی پهنه استفاده مردمی و در مناطق مشخصی در نفوذ استفاده‌های اقتصادی و فرهنگی است (مناطق با ارزش غیر حفاظتی درون منطقه حفاظت‌شده). (۲) همچنین در ذهنیت مردم محلی، مناطق مشخصی با ارزش حفاظتی در بیرون منطقه حفاظت‌شده وجود دارد. (۳) افزون بر این، مناطق وسیعی از دهستان دنا با عنوان پهنه استفاده مردمی قابل بررسی است که به‌طور عمده در خارج از منطقه حفاظت‌شده دنا است؛ (۴) پهنه استفاده مردمی در بخش‌هایی عملکردهای دو یا چندگانه اکوسیستمی دارد. تشخیص تمامی این مناطق، شناختی گسترده و نگرش متفاوتی را درباره مکان به برنامه‌ریز ارائه می‌دهد که مبتنی بر ادراک فضایی مردم از سرزمین مادری است. درک دیدگاه جوامع سکونت‌گاهی دهستان دنا نسبت به محیط

1- McLain
2- Talen
3- Villa
4- Ban
5- Reyers
6- Haslett

پیرامون خود، پشتیبان برنامه‌ریزی فضایی و تخصیص کاربری اراضی به‌منظور استفاده پایدار از سرزمین و حفاظت مشارکتی در آینده خواهد بود.

جامع‌تر و مانع‌تر شدن روش‌شناسی شناخت سرزمین و تناسب رویه آن با محتوا به‌منظور بهبود برنامه‌ریزی و مدیریت سرزمین درون و پیرامون مناطق حفاظت‌شده، مستلزم بسط شیوه‌های ترکیب‌گرا است؛ البته باید توجه داشت که این ترکیب‌گرایی، تنها شامل دیدن هم‌زمان درون و پیرامون مناطق حفاظت‌شده و استفاده هدفمند از ابزارهای متنوع جمع‌آوری اطلاعات نیست؛ بلکه لازم است در مطالعات دیگری، این نقشه‌های جدید مبتنی بر دیدگاه جوامع محلی در کنار نقشه‌های متداول مبتنی بر دیدگاه برنامه‌ریزان حرفه‌ای تحلیل، بازنگری و تصمیم‌گیری نهایی شوند. به این ترتیب زمینه برای رفتار فعال جوامع محلی در استفاده پایدار از سرزمین و حفاظت از آن، فراهم می‌شود، رفتار برنامه‌ریز از حالت مشاوره‌ای به حالت تسهیل‌گری گرایش می‌یابد. شکل دولت‌محور ارزیابی، زمینه‌محور و مردم‌محور می‌شود و در نهایت ارتباط مبانی تفکر با اجرای تدابیر متناسب و اقدام‌های اصلاحی تقویت می‌شود. به‌کارگیری شیوه پژوهش حاضر برای سایر دهستان‌های پیرامون منطقه حفاظت‌شده دنا و همچنین دهستان‌ها و بخش‌های پیرامون سایر مناطق حفاظت‌شده کشور شایسته است و پیشنهاد می‌شود. امید است به کمک نقشه‌سازی مشارکتی، فرصت شناسایی، آموزش و توانمندسازی جوامع محلی در مدیریت درون و پیرامون مناطق حفاظت‌فراهم شود که خود زمینه‌ساز مشارکت آن‌ها برای ارائه و اجرای راه‌حل‌های نوآورانه در آینده است. چنین روشی، هم مهیاکننده زبان مشترک جلب عملی مشارکت اهالی در گفتمان میان حفاظت و استفاده‌های مردمی است، هم به لحاظ نظری مشروعیت‌بخش نقشه‌سازی است و هم زمینه‌ساز یادگیری از دانش جوامع محلی است.

منابع

- ابوالقاسمی، شیرین (۱۳۹۵). *برنامه حفاظت و توسعه پایدار کوهستان زاگرس مرکزی*. سازمان حفاظت محیط‌زیست و صندوق تسهیلات جهانی محیط زیست. تهران: معارف.
- اداره کل حفاظت محیط‌زیست استان کهگیلویه و بویراحمد (۱۳۹۵). *برنامه مدیریت جامع منطقه آبخیز مدیریتی دنا*. تهران: سازمان حفاظت محیط‌زیست.
- انجمن دامون (۱۳۹۶). *دستورالعمل حفاظت از گونه‌های شاخص زیستی در منطقه زاگرس مرکزی*. تهران: سازمان حفاظت محیط‌زیست.
- رنجبر، هادی؛ حق‌دوست، علی‌اکبر؛ صلصالی، مهوش؛ خوشدل، علیرضا؛ سلیمانی، محمدعلی؛ بهرامی، نسیم (۱۳۹۱). نمونه‌گیری در پژوهش‌های کیفی: راهنمایی برای شروع. *مجله دانشگاه علوم پزشکی ارتش جمهوری اسلامی ایران*، ۱۰ (۳)، ۲۳۸-۲۵۰.
- رودگرمی، پژمان؛ اکبرزاده، عباس (۱۳۹۳). راهکارهای تحقیق کیفی برای علوم محیط‌زیستی. *فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط‌زیست*، ۱۶ (۱)، ۶۱۵-۶۳۱.
- عباس‌زاده، محمد (۱۳۹۱). تأملی بر اعتبار و پایایی در تحقیقات کیفی. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۳ (۱)، ۱۹-۳۴.
- فروزه، محمدرحیم؛ حشمتی، غلامعلی؛ بارانی، حسین (۱۳۹۳). گیاه‌مردم‌نگاری گونه‌های خوراکی و دارویی مرتع دیلگان، استان کهگیلویه و بویراحمد. *پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران*، ۴ (۱)، ۱۰۹-۱۲۹.
- فقیهی، ابوالحسن؛ علیزاده، محسن (۱۳۸۴). روایی در تحقیق کیفی. *مدیریت فرهنگ سازمانی*، ۳ (۹)، ۵-۱۹.
- ملکیان، منصوره؛ باقری، راحله (۱۳۹۴). تأثیر اندازه و شکل مناطق حفاظت‌شده بر غنا و تنوع گونه‌ای پستانداران، مطالعه موردی استان کهگیلویه و بویراحمد. *مجله پژوهش‌های جانوری*، ۲۸ (۲)، ۲۳۳-۲۴۳.

- منتظری، مجید (۱۳۹۴). بررسی نقش ناهمواری‌ها در شکل‌گیری خرده‌نواحی اقلیمی استان کهگیلویه و بویراحمد. *جغرافیا و توسعه*، (۴۰)، ۱-۱۸.
- نیک‌نشان، شقایق؛ نوروزی، رضاعلی؛ نصر اصفهانی، احمدرضا (۱۳۸۹). تحلیلی بر رویکردهای روایی در پژوهش کیفی. *روش‌شناسی علوم انسانی*، ۱۶ (۶۲)، ۱۴۱-۱۶۰.
- وارثی، حمیدرضا (۱۳۸۱). دنا و اکوتوریسم. *اطلاعات جغرافیایی سپهر*، ۱۱ (۴۳)، ۳۴-۳۷.
- یاوری، احمدرضا؛ طیب‌زاده، نگار (۱۳۹۶). *سنجش و ارزیابی در برنامه‌ریزی استفاده از سرزمین*. تهران: آوای قلم.

References

- Abbaszadeh, M. (2012). Validity and reliability in qualitative researches. *Journal of Applied Sociology*, 23 (1), 19-34. (In Persian)
- Abolghasemi, S. (2016). *Conservation and sustainable development program of central Zagros Mountains*. Department of the environment and global environment facility, Tehran: Maaref. (In Persian)
- Andrade, G. S. M., & Rhodes, J. R. (2012). Protected areas and local communities: an inevitable partnership toward successful conservation strategies?. *Ecology and Society*, 17 (4), 1-16.
- Baker, J., Milner-Gulland, E. J. & Leader-Williams, N. (2011). Park gazettement and integrated conservation and development as factors in community conflict at Bwindi Impenetrable Forest. *Conservation Biology*, 26 (1), 160-70.
- Ban, N. C., Mills, M. ., Jordan Tam, J., C Hicks, C. & Klain, S. (2013). A social-ecological approach to conservation planning: Embedding social considerations. *Frontiers in Ecology and the Environment*, 11 (4), 194-202.
- Brown, G. & Fagerholm, N. (2014). Empirical PPGIS/PGIS mapping of ecosystem services: a review and evaluation. *Ecosystem Services*, 13, 119-133.
- Brown, G. & Reed, P. (2012). Social landscape metrics: measures for understanding place values from public participation geographic information systems (PPGIS). *Landscape Research*, 37 (1), 73-90.
- Canavire-Bacarreza, G. & Hanauer, M. (2013). Estimating the impacts of Bolivia's protected areas on poverty. *World Development*, 41, 265-285.
- Casti, E. (2014). A reflexive cartography and environmental conservation: a model of participatory zoning. *Global Bioethics*, 25 (2), 125-135.
- Chambers, R. (1994). The Origins and Practice of Participatory/Rural Appraisal. *World Dev*, 22, 953-969.
- Chao, S. (2012). *Forest peoples: numbers across the world*. Forest Peoples Program. Stratford Road: 1c Fosseyway Business Centre.
- Crossman, N. D., Burkhard, B., Nedkov, S., Willemsen, L., Petz, K. & Palomo, I. (2013). A blueprint for mapping and modelling ecosystem services. *Ecosystem Services*, 4, 4-14.
- Cumming, G. S. (2011). Spatial resilience: integrating landscape ecology, resilience and sustainability. *Landscape Ecology*, 26, 899-909.
- Damoon Association (2017). *Bio-indicator species protection guidelines in the central Zagros region*. Tehran: department of the environment. (In Persian)
- Dicicco-Bloom, B. & Crabtree, B. F. (2006). The qualitative research interview. *Medical education*, 40 (4), 314-21.
- Dudley, N., Groves, C., Redford, K. H. & Stolton, S. (2014). Where now for protected areas? Setting the stage for the 2014 World Parks Congress. *Oryx*, 48 (4), 496-503.
- Fagerholm, N., Käyhkö, N., Ndumbaro, F. & Khamis, M. (2012). Community stakeholders' knowledge in landscape assessments, mapping indicators for landscape services. *Ecological Indicators*, 18, 421-433.
- Faghihi, A. & Alizade, M. (2005). Validity in qualitative research. *Organizational culture management*, 3 (9), 5-19. (In Persian)
- Fisher, J. A., Patenaude, G., Giri, K., Lewis, K., Meir, P. & Pinho, P. (2014). Understanding the relationships between ecosystem services and poverty alleviation: a conceptual framework.

Ecosystem Services, 7, 34-45.

- Foroze, M. R., Heshmati, G. & Barani, H. (2014). Ethno botany in Dilgan rangeland for edible and medicinal species. *Iranian Journal of Anthropological Research*, 1 (7), 109-129. (In Persian)
- García-Llorente, M., Martín-López B. & Iniesta-Arandia, I. (2012). The role of multi-functionality in social preferences toward semi-arid rural landscapes: An ecosystem service approach. *Environmental Science and Policy*, 19-20, 136-146.
- Gardner, C. J. (2011). IUCN management categories fail to represent new, multiple-use protected areas in Madagascar. *Oryx*, 45 (3), 336-346.
- Harley, J. B. (1992). *Deconstructing the Map, Discourse text and metaphor in the representation of landscape*. London and New York: Routledge, 277-312.
- Haslett, J. R., Berry, P. M., Bela, G., Jongman, R. H. G., Pataki, G., Samways, M. J. & Zobel, M. (2010). Changing conservation strategies in Europe: A framework integrating ecosystem services and dynamics. *Biodiversity and Conservation*, 19, 2963-2977.
- Hull, V., Weihua, X., Wei, L., Shiqiang, Z., Andrés, V., Jindong, Z., Mao-Ning, T. & Jinyan, H. (2011). Evaluating the efficacy of zoning designations for protected area management. *Biological Conservation*, 144 (12), 3028-3037.
- Kareiva, P. & Marvier, M. (2012). What is conservation science?. *Bio Science*, 62, 962-969.
- Kearney, M. H. (2007). Going deeper versus wider in qualitative sampling. *Journal of Obstetric, Gynecologic, & Neonatal Nursing*, 36 (4), 299.
- Kohkilouyeh and Boyer-Ahmad general department of environmental protection (2016). Dena watershed Comprehensive management program. Tehran: department of the environment. (In Persian)
- Kolahi, M., Sakai, T., Moriya, K., Makhdoum, M. F. & Koyama, L. (2013). Assessment of the effectiveness of protected areas management in Iran: case study in Khojir National Park. *Environ. Manag.*, 52 (2), 514-530.
- Lausche, B., & Burhenne. F. (2011). *Guidelines for Protected Areas Legislation*. IUCN, Zoning within a protected area. Bonn: IUCN Environmental Law Centre.
- Lele, S., Wilshusen, P., Brockington, D., Seidler, R. & Bawa, K. (2010). Beyond exclusion: Alternative approaches to biodiversity conservation in the developing tropics. *Current Opinion in Environmental Sustainability*, 2 (1-2), 94-100.
- Leroux, S. J., Krawchuk, M. A., Schmiegelow, F., Cumming, S. G., Lisgo, K., Anderson, L. G. & Petkova, M. (2010). Global protected areas and IUCN designations: do the categories match the conditions?. *Biological Conservation*, 143 (3), 609-616.
- Livingston, W. G. (2009). *Discovering the academic and social transitions of re-enrolling student veterans at one institution: A grounded theory*. A Dissertation for the Degree Doctor of Philosophy Educational Leadership, Clemson University.
- Malekian, M. & bagheri, R. (2015). The influence of size and shape of protected areas on species diversity and richness of mammals, a case study on Kohgiluyeh & Boyer Ahmad protected areas. *Journal of animal research (Iranian journal of biology)*, 28 (2), 233-143. (In Persian)
- Martín-López B., García-Llorente, M., Palomo, I. & Montes C. (2011). The conservation against development paradigm in protected areas: Valuation of ecosystem services in the Doñana social-ecological system (southwestern Spain). *Ecological Economics*, 70 (8), 1481-1491.
- Martín-López, B., Iniesta-Arandia, I., García-Llorente, M. & Palomo, I. (2012). Uncovering ecosystem service bundles through social preferences. *Plos one*, 7 (6), 1-11.
- McDonald, R. I. & Boucher, T. M. (2011). Global development and the future of the protected area strategy. *Biological Conservation*, 144 (1), 383-392.
- McLain, R., Poe, M., Biedenweg, K., Cerveny, L., Besser, D. & Blahna, D. (2013). Making sense of human ecology mapping: an overview of approaches to integrating socio-spatial data into environmental planning. *Human Ecology*, 41, 651-665.
- Montazeri, M. (2015). Zoning of Climatic Sub Regions of Kohgiluyeh and Boyer Ahmad Province by Emphasis on Land Roughness. *Geography and development Iranian journal*, (40), 1-18. (In Persian)
- Naughton-Treves, L. (2012). Participatory Zoning to Balance Conservation and Development in

- Protected Areas. *Integrating Ecology and Poverty Reduction*, 17, 235-251.
- Nikneshan, S., Norouzi, R. A. & Nasr Isfahani, A. R. (2010). Analytic Study of Approaches to Validity in Qualitative Research. *Methodology of social science and humanities journal*, 16 (62), 141-160. (In Persian)
- Pagella, T. F. & Sinclair, F. L. (2014). Development and use of a typology of mapping tools to assess their fitness for supporting management of ecosystem service provision. *Landscape Ecology*, 29, 383-399.
- Palomo, I., Martín-López B., Zorrilla-Miras, P., García del Amo, D. & Montes, C. (2013 a). Deliberative mapping of ecosystem services within and around Doñana National Park (SW Spain) in relation to land use change. *Regional Environmental Change*, 14, 237-251.
- Palomo, I., Martín-López, B., Potschin, M., Haines-Young, R. & Montes, C. (2013 b). National parks, buffer zones and surrounding lands: Mapping ecosystem service flows. *Ecosystem Services*, 4, 104-116.
- Palomo, I., Montes, C. & Martin-Lopez, B. (2014). Incorporating the Social–Ecological Approach in Protected Areas in the Anthropocene. *BioScience*, 64 (3), 181-191.
- Patton, M. Q. (2015). *Qualitative research and evaluation methods, Integrating theory and practice*. USA: International educational and professional publisher, Sage Publications.
- Petursson, J. G. & Vedeld, P. (2015). The “nine-lives” of protected areas. A historical-institutional analysis from the transboundary Mt. Elgon, Uganda and Kenya. *Land Use Policy*, 42, 251-263.
- Ramirez-Gomez, S. O. I., Brown, G. G. & Tjon Sie Fat, A. (2013). Participatory mapping with indigenous communities for conservation: challenges and lessons from suriname. *Electronic Journal of Information System in Developing Countries*, 58 (1), 1-22.
- Ramirez-Gomez, S. O. I., Greg, B. & Pita, A. (2016). Verweijb, René Boot, Participatory mapping to identify indigenous community use zones: Implications for conservation planning in southern Suriname. *Journal for Nature Conservation*, 29, 69-78.
- Ranjbar, H., Haghdoost, A. A., Salsali, M., Khoshdel, A., Soleimani, M. & Bahrami, N. (2012). Sampling in qualitative research: A guide for beginning. *Annals of Military and Health Sciences Research*, 10 (3), 238-250. (In Persian)
- Raudsepp-Hearne, C., Peterson, G. D. & Bennett, E. M. (2010). Ecosystem service bundles for analyzing tradeoffs in diverse landscapes. *Proceedings of the National Academy of Sciences*, 107, 5242-5247.
- Reyers, B., Biggs, R., Cumming, G. S., Elmqvist, T., Hejnowicz, A. P. & Polasky, S. (2013). Getting the measure of ecosystem services: a social–ecological approach. *Frontiers in Ecology and the Environment*, 107 (11), 268-273.
- Rotich, D. (2012). Concept of zoning management in protected areas. *Journal of Environment and Earth Science*, 2 (10), 173-183.
- Roudgarmi, P. & Akbarzadeh, A. (2015). Qualitative Research Approaches for Environmental Sciences: A review. *Journal of Environmental Science and Technology*, 16 (1), 615-631. (In Persian)
- Salerno, J. D., Mulder, M. B. & Kefauver, S. C. (2014). Human migration, protected areas, and conservation outreach in Tanzania. *Conserv. Biol*, 28, 841-850.
- Satar, M. (2004). *Using Participatory GIS to Identified Local Land use zoning for conservation in Merauke District, Papua, Indonesia1*. Thesis Research to get Master Degree in Urban and Regional Planning, Institut Teknologi Bandung, 1-8.
- Schägnner, J. P., Brander, L., Maes, J. & Hartje, V. (2013). Mapping ecosystem services' values: current practice and future prospects. *Ecosystem Services*, 4, 33-46.
- Serna-Chavez, H. M., Schulp, C. J. E., van Bodegom, P. M., Bouten, W., Verburg, P. H. & Davidson, M. D. (2014). A quantitative framework for assessing spatial flows of ecosystem services. *Ecological Indicators*, 39, 24-33.
- Shafer, C. L. (2015). Cautionary thoughts on IUCN protected area management categories V–VI. *Global Ecology and Conservation*, 3, 331-348.
- Stevens, S. (2014). *A new protected area paradigm. Indigenous Peoples, National Parks, and Protected Areas: A New Paradigm Linking Conservation, Culture and Rights*. University of

- Arizona Press, Tucson, 47-83.
- Stortini, C. H., Shackell, N. L. & O'Dor, R. K. (2015). A decision-support tool to facilitate discussion of no-take boundaries for Marine Protected Areas during stakeholder consultation processes. *Journal for Nature Conservation*, 23, 45-52.
- Syrbe, R.-U. & Walz, U. (2012). Spatial indicators for the assessment of ecosystem services: providing, benefiting and connecting areas and landscape metrics. *Ecological Indicators*, 21, 80-88.
- Talen, E. (2000). Bottom-Up GIS: A new tool for individual and group expression in participatory planning. *Journal of the American Planning Association*, 66, 279-294.
- Toupal, R. S., Zedeño M. N., Stoffle R. W. & Barabe P. (2001). Cultural landscapes and ethnographic cartographies: Scandinavian-American and American Indian knowledge of the land. *Environmental Science & Policy*, 4 (4), 171-184.
- Varesi, H. R. (2002). Dena and ecotourism. *SEPEHR*, 11 (43), 34-37. (In Persian)
- Villa, F., Voigt, B. & Erickson, J. D. (2014). New perspectives in ecosystem services science as instruments to understand environmental securities. *Philos Trans R Soc Lond B Biol Sci*, 369, 1-15.
- Wenwu, Du., Sofia, M. & Isami, K. (2015). Models and Approaches for Integrating Protected Areas with Their Surroundings: A Review of the Literature. *Sustainability*, 7 (7), 8151-8177.
- Wiseman, A. W. (2009). *Educational leadership: global contexts and international comparisons*, Lehigh university. USA: Emerald Group Publishing.
- Yavari, A. R. & Tayebzadeh, N. (2017). *Evaluation and assessment methods of landscape planning*. Tehran: Avaye Ghalam. (In Persian)
- Zhang, Z., Sherman, R., Yang, Z., Wu, R., Wang, W., Yin, M., Yang, G. & Ou, X. (2013). Integrating a participatory process with a GIS-based multi-criteria decision analysis for protected area zoning in China. *Journal for Nature Conservation*, 21 (4), 225-240.